



(شهید والا مقام سردار هاشم کلهر)

نام پدر: ماشاء الله

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۱۲/۶

محل شهادت: جزیره‌ی مجنون

نام عملیات: خیبر

مسئولیت: جانشین گردان مقداد از لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)

محل خاکسپاری: تهران، بهشت زهرا، قطعه‌ی ۲۸، ردیف ۲۲، شماره‌ی ۱۶

فرازی از وصیتنامه

در عملیات والفجر ۳، شهید خطاب به نیروهایی که از سختی کار گله‌مند بودند، گفت: «زیبایی جنگیدن این است که مهمات را از دشمنت بگیری و بر سرش بکوبی؛ هر چقدر جنگ سخت‌تر، عملیات دشوارتر و محاصره تنگ‌تر می‌شود من بیشتر لذت می‌برم».

(خلاصه‌ی زندگینامه)

سردار شهید هاشم کلهر در سال ۱۳۴۱ در خانواده‌ای متدین و مذهبی، در روستای غنی‌آباد شهری، به دنیا آمد. دوران ابتدایی را در مدرسه‌ی صدوق و دوره‌ی راهنمایی را در مدرسه‌ی عسگری شهری گذراند. قبل از انقلاب، در تظاهرات، راهپیمایی‌ها و تسخیر پایگاه‌های ستم‌شاهی از جمله کلانتری دولت آباد شهری، مقر سابق رضا شاه ملعون، فعالانه حضور داشت. با پیروزی انقلاب اسلامی، برای دفاع از انقلاب و آرمان‌ها ابتدا به عضویت جهاد سازندگی و سپس به عضویت کمیته‌ی انقلاب شهری درآمد. با شروع غائله‌ی کردستان عازم آنجا شد و با عضویت در سازمان پیشمرگان کرد مسلمان و گروه ویژه‌ی شهید چمران به مبارزه با گروه‌های ضدانقلاب پرداخت. در پاکسازی کردستان بویژه شهرهای جوانرود و کامیاران از اشرار و گروهک‌ها شرکت داشت و به دفاع از خاک ایران عزیز پرداخت. با شروع جنگ تحمیلی، به عنوان نیروی بسیجی عازم جبهه‌های گیلانغرب، نفت شهر و قصرشیرین شد.

در سال ۱۳۶۰ به عضویت رسمی سپاه درآمد. ایشان چندین بار مجروح شد. در عملیات رمضان بر اثر اصابت ترکش خمپاره از ناحیه‌ی پای راست، در عملیات مسلم‌بن-عقیل بر اثر اصابت ترکش از ناحیه‌ی گردن (نزدیک نخاع) و در عملیات والفجر مقدماتی بر اثر اصابت گلوله از ناحیه‌ی سر مجروح شد، در مجروحیت آخر با بستن زخم‌هایش به جنگ تن به تن در رمل‌ها و کانال‌های فکه ادامه داد. ساعتی بعد، مجدداً بر اثر اصابت گلوله به صورتش بسختی مجروح شد، به گونه‌ای که حدود چهارده دندان ایشان از بین رفت و بخشی از زبان، فک و لثه‌ی ایشان بشدت آسیب دید.

به هنگام پاکسازی منطقه دالاهو، بر اثر انفجار نارنجک در دستانش، یک دستش از ناحیه میچ و سه انگشت دست دیگرش قطع شد و تنها دو انگشت وسط آن به جا ماند. سرانجام، در عملیات خیبر در منطقه عملیاتی جفیر، بر اثر بمباران هواپیمای دشمن، همچون مولایش اباعبدالله(ع) با بدن قطعه قطعه شده به دیدار معبود شتافت. شایان ذکر است که پدر و مادر شهید به رحمت ایزدی پیوسته‌اند.

ویژگی‌های اخلاقی؛ بسیار صبور و مقاوم، فکور و کم حرف، پرکار و پر انرژی و با گذشت بود.

خاطره‌ای به نقل از هم‌وزم شهید؛ در مأموریتی که شهید در گردان مالک اشتر لشکر ۲۷ محمد رسول الله(ص) برای پاکسازی منطقه دالاهو از ضد انقلاب و اشرار شرکت داشت، برای نیروهای گردان شیوه تله‌گذاری با نارنجک را آموزش می‌داد. ناگهان پیم یکی از نارنجک‌ها از ضامن خارج شد. این سردار شجاع، برای آن که آسیبی به کسی نرسد، با سرعت نارنجک را در دستان و میان دو پای خود گرفت. بعد از انفجار، در حالی که بدنش پراز ترکش‌های نارنجک بود، بلافاصله ایستاد و گفت: «کسی آسیب ندیده است»؟ در هنگام وقوع این حادثه، سالن مملو از نیروهای گردان بود که با اقدام شجاعانه‌ی شهید به هیچ یک از نیروها بجز پیک گردان که از ناحیه‌ی صورت مجروح شده بود آسیبی وارد نشد.

خاطره‌ای به نقل از مادر شهید؛ هاشم به دفعات مکرر مجروح شد، آنقدر که

تصورش هم برای یک انسان معمولی سخت است. یک بار که از ناحیه‌ی دست مجروح شده بود خطاب به من گفت: «اگر ترکشهایی که به بدن من وارد شده به یک کشتی اصابت می‌کرد یقیناً غرق می‌شد. من فکر می‌کنم دلیل اصلی شهید نشدنم عدم رضایت شماست». در جوابش گفتم: «پسرم؛ من سعادت تو را می‌خواهم و همواره از تو راضی بوده و هستم. هر چه به صلاح تو باشد همان آرزوی من است».

هاشم در حالی که می‌خندید گفت: «پس اگر این طور است ظاهراً خداوند می‌خواهد مرا به صورت قسطی و هر از گاهی یک مقدار (دست، پا، سر، چشم و صورت و ...) به همان میزان که اعمالم مورد قبولش واقع می‌شود، ببرد».

یاد تو یاد شهید بی سر کربلاست

چون حسین بن علی سرور جمع شهداست

نکش پرپر شده‌ات قبلگه نماز دل

یاد تو راز حیات و کعبه‌ی نیاز دل

پشت پیراهن حک شده بود این زمزمه

می‌روم تا که بگیرم انتقام فاطمه (س)